

با این نسل شوخی نکنید!

کارشناسان در گفتوگو با «اعتماد» از راهکارهای تعامل با جوانان معترض می‌گویند

برخوردهای «سلبی» جوابگوی نسل جدید معترضان نیست

حمیدرضا خالدي

در چند هفته اخیر و همزمان با برپایی ناآرامی‌های که رخ داد؛ این حرکت‌های اعتراضی از زوایای مختلفی بارها مورد نقد و تحلیل کارشناسان قرار گرفته است. ناآرامی‌هایی که یکی از مهم‌ترین ارکان آن مواجهه نیروهای انتظامی و امنیتی با این اعتراضها بود. اینکه آیا برخوردهای سلبی با معترضانی که اتفاقا اکثر قریب به اتفاق آنها را جوانان تشکیل می‌دهند راهکار مناسبی برای مواجهه با اعتراض‌هایی این‌چنینی است یا خیر؟ و از آن مهم‌تر اینکه، اصولا حاکمیت در برخورد با چنین اعتراض‌هایی باید چگونه وارد عرصه درگیری‌ها شود؟ سوالی که روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در پاسخ به آن مدعی شده‌اند که نه تنها برخوردهای سلبی نمی‌تواند راه‌حل مناسبی برای پایان دادن به این اعتراضها باشد که خود جرقه‌ای است بر آتش زیر خاکستر شهروندان منتقدی که به دنبال آینده‌ای بهتر به خیابان‌ها آمده‌اند تا شاید به این طریق بتوانند صدای اعتراضشان را به گوش مسوولان ارشد کشور برسانند. در همین راستا تعدادی از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان در گفتوگو با «اعتماد» به تحلیل رفتار ماموران انتظامی و امنیتی در حوادث اخیر پرداخته‌اند.

گفتوگو به جای برخوردهای «سلبی»

سیامک زند رضوی، جامعه‌شناس با تاکید بر اینکه برخوردهای سلبی دولتمردان نمی‌تواند راهگشای حل بحران‌ها و اعتراض‌های عمومی در جامعه باشد. گفت اصولا موضوع نحوه مواجهه اصولی حکومت‌ها با ناآرامی‌ها در مقیاس اجتماعی، در جهان چیز جدیدی نیست و تاریخچه آن به دستاوردهای حاصل از انقلاب کبیر فرانسه برمی‌گردد و اولین شرط آن پذیرش این مساله از طرف حاکمیت است، که شهروندان رعیت نیستند، حق زندگی همراه با کرامت را دارند، در برابر قانون از

حقوق برابری برخوردارند. این حقیقت پایه در جامعه ما نیز پس از انقلاب مشروط در میان شهروندان به شکل همگانی مورد پذیرش است که پایه حقوق شهروندی در جامعه مدنی است. وی افزود: ازسویی برای اینکه معترضان بتوانند با حاکمیت صحبت کنند باید بپذیریم نمایندگانی را انتخاب کنند تا بتوانند درخواست‌هایشان را با حاکمیت مطرح کنند. وقتی بسیاری از گروه‌ها، اقشار و طبقات اجتماعی در طول چهار دهه از داشتن تشکلهای مستقل (صنفي، حرفه‌اي، سياسي و...) خود محروم مانده‌اند، این گفت‌وگو دشوار خواهد شد.

بنابراین جامعه مدنی چیزی نیست جز شهروندانی مساوی‌الحقوقی که گرچه در عقیده و دیدگاه باهم اختلاف‌نظر دارند اما با ورود نمایندگان گروه‌های درگیر موفق شده‌اند مشکلاتشان را بین خودشان و با حاکمیت حل کنند. وی سپس به ذکر مثالی از تجارب شخصی خود پرداخته و گفت: در سال 57 در 23 سالگی دانشجوی سال سوم جامعه‌شناسی دانشگاه تهران بودم. در آن سال دانشجویان تلاش می‌کردند تا گروه‌هایی را در عرصه‌های مختلف مورد علاقه‌شان مانند کوهنوردی، عکاسی، نقاشی و... تشکیل بدهند اما مقامات دانشگاه زیر بار این مساله نمی‌رفتند و می‌گفتند از بالا دستور آمده که نباید چنین گروه‌هایی شکل بگیرد. این منع با يك مقاومت گسترده از سوی دانشجویان مواجه شد.

این جامعه‌شناس ادامه داد: الان هم بعد از 40 سال دوباره من در 66 سالگی دوباره شاهد تکرار همان تجربه هستم. هم اینک نیز حاکمیت در پیش‌نویس قانون تشکلهای می‌گوید هیچ گروه مستقلی اجازه ایجاد تشکل را ندارد مگر آنکه ما آن را تایید کرده باشیم. در واقع حاکمیت به هر تشکلی رسمیت نمی‌دهد. در نتیجه بسیاری از تشکلهای امروز مانند تشکلهای کارکنان اتوبوسرانی یا کانون نویسندگان یا تشکل شورایی هماهنگی معلمان و... هنوز نتوانسته‌اند مجوز رسمی فعالیت بگیرند. مهم‌ترین راهکار مواجهه با شهروندان معترض، «گفت‌وگو» است قبل از آنکه دیر شود. آن‌هم در شرایطی برابر و بی‌طرف در عرصه‌های عمومی و در حالی که مردم شاهد آن باشند. این امر نیز میسر نمی‌شود مگر با حضور تشکلهای و نهادهای مختلف و اینکه بپذیرند تشکلهای موجود رسمیت دارند. ضمن آنکه این گفت‌وگوها باید در يك فضای عمومی انجام شود نه در يك فضای در بسته چرا که اصولاً شهروندان برپایه شواهد تاریخی گفت‌وگو پشت درهای بسته را بی‌نتیجه می‌دانند.

وی تصریح کرد: شاید بهترین تریبون برای این گزینه، رادیو و تلویزیون باشد. صداوسیما باید بستری را فراهم کند تا نهادهای مختلف مانند تشکلهای کارگری، معلم‌ها، زنان، دانش‌آموزان، دانشجویان، شوراهای محله‌ها و... مسائل و دغدغه‌هایشان را مطرح کنند.

آن‌هم بدون محدودیت و ملاحظه‌کاری. مثلاً آنجا ممکن است کارگران سوال کنند که چطور و با چه استدلالی کارخانه عظیم هفت تپه به دو، سه جوان واگذار می‌شود ولی به شورای کارگران مجوز داده نمی‌شود؟! حاکمیت هم آنها را واقعا «بشنود».

زند رضوی با اشاره به دلایل حضور جوانان و حتی نوجوانان در جریان ناآرامی‌های اخیر گفت: جوان و نوجوان امروزی عملاً در آموزش و پرورش انکار می‌شوند، وقتی به بیم و امیدهای پیش روی خود در آینده نگاه می‌کند، با خودش فکر می‌کند که راه دیگری غیر از آنکه به خیابان بیاید و اعتراض‌ش را به گوش مسوولان برساند، ندارد.

این جامعه‌شناس با تأکید بر اینکه راهکار برخورد با اعتراض‌های این‌چنینی برخوردهای سلبی در کف خیابان‌ها نیست، گفت: مسلماً برخوردهای سلبی در مورد اعتراض‌های خیابانی جواب نمی‌دهد. کما اینکه هیچ‌وقت این‌گونه برخوردها در مورد اعتراض‌های سال‌های گذشته نیز جواب نداده‌اند و بر حجم پرسش‌های بدون پاسخ افزوده است. از سویی یک بررسی اجمالی نشان می‌دهد که فاصله زمانی رخ دادن اعتراض‌های خیابانی در طول 4 دهه گذشته اندک اندک کمتر و کمتر شده است. به عنوان مثال اعتراض‌های مشهد در سال 1370، دوباره در سال 1376 تکرار شدند. بعد از آن هم این اعتراض‌ها هرکدام در فاصله چند سال در یکی از شهرهای دیگر ایران و حتی تهران تکرار شدند. این نشان می‌دهد که چقدر بازه زمانی رخ دادن این اعتراض‌ها کم شده‌اند. چرا؟ دلیلش واضح است. چون در اعتراض‌هایی که داشتند نه تنها به خواسته‌هایی که داشتند، نرسیدند که به جای پاسخ به آنها فقط با برخوردهای قهری مواجه شده‌اند.

زند رضوی افزود: در واقع الان ما در شرایطی قرار داریم که دیگر طیف متوسطی وجود ندارد. همه یا کارگرانی هستند که اگر یک ماه حقوق نگیرند زندگی‌شان به‌طور جدی مختل می‌شود و به آنها یقه سفید می‌گویند یا یقه آبی‌هایی هستند که گرچه در اقلیت هستند ولی بخش اعظم ثروت کشور را در اختیار دارند. هم اینک طیفی که در کف خیابان‌ها می‌بینید از نسل همین یقه سفیدهایی هستند که اتفاقاً سرمنشأ پیروزی انقلاب در سال 1357 بودند. این جامعه‌شناس همچنین به تناقضی در برخوردهای حاکمیت با معترضان اشاره کرده و گفت: از سویی طرفداران حاکمیت شعار می‌دهند که راهکار حل بحران کنونی، گفت‌وگو است و از سویی ماموران، کف خیابان‌ها تلاش می‌کنند تا اعتراض‌ها را با برخوردهای شدید سلبی مهار کنند. خب این یک تناقض آشکار برای افکار عمومی است. کسی که می‌خواهد گفت‌وگو کند به دنبال برخورد سلبی نیست! همین مسائل باعث می‌شوند تا مردم و به خصوص جوانان به وعده‌های مسوولان برای آنکه صدای‌شان را بشنوند و به

خواسته ایشان تن دهند، اعتماد نکنند! وی تصریح کرد: اعتراض‌های امروز نیز ادامه همان اعتراض‌های گذشته است. با این تفاوت که تنها چیزی حدود 15 درصد جمعیتی که در ناآرامی‌های کنونی شرکت دارند متعلق به دوره‌های قبل هستند و 85 درصد آنها اصلاً تجربه‌ای در این زمینه ندارند! برای همین دلیل ذهنیتی از آنچه ممکن است برای‌شان رخ دهد، ندارند و طبیعتاً ترسی هم از حضور در کف خیابان‌ها نخواهند داشت. برای همین معتقدم با این نسل نمیشود شوخی کرد.

اعتراض در قبال آینده مبهم

مسعود غفاری، روانشناس در گفت‌وگو با «اعتماد» درخصوص ریشه‌های روانشناختی اعتراض‌های اخیر گفت: از دید روانشناسی انسان موجودی است با نیازمندی‌های مختلف که برای رسیدن به آنها، چه درست و چه نادرست، ممکن است دست به هر کاری بزند. بر پایه این دیدگاه انسان موجودی است با نیازهای روانی، زیستی، اجتماعی و معنوی. حالا چه در خانه و چه در جامعه اگر این نیازهای زیستی و معنوی وی از مسیری درست و خردمندانه برآورده نشود، میشود انسان سالم و هر وقت این نیازها برآورده نشود یا از شیوه‌های غیراصولی و نادرست برآورده شود، میشود انسان ناسالم و انسانی که به بن‌بست میرسد یا حتی ممکن است دست به خودکشی بزند. وی با ذکر اینکه اگر ناهنجاری یا رفتار نامتعارفی را مشاهده میکنیم باید ببینیم نیازهایی که باعث به وجود آمدن آنها شده از چه دسته‌ای است، گفت: من به شخصه خانواده‌ای را سالم میدانم که بستری برای تامین نیازهای زیستی آن به شکل درست، وجود داشته باشد و نیازهای آن خانواده به درستی برآورده شود. این جامعه‌شناس تصریح کرد: معتقدم که جامعه ما «نشانه‌زدایی» میکند نه «علت‌زدایی». این رویه مانند آن است که ما به جای درمان و ریشه‌یابی علل افزایش آمار اعتیاد در جامعه، تمام معتادان را به دریا بریزیم! وی با ذکر اینکه تا وقتی که يك توسعه اقتصادی سالم ایجاد نشود، «علت‌زدایی» بی‌معناست، گفت: می‌گویند چرا جوانان وارد دایره ناآرامی‌ها در خیابان‌ها میشوند؟ خوب وقتی که جوان ما، کار نداشته باشد یا نتواند ازدواج کند و آن را آرزویی دست‌نیافتنی ببیند، زمانی که چشم‌اندازی برای زندگی خود متصور نباشد، مسلم است که باید ناراضی باشد و از آنجایی که گوش‌شنوایی هم برای شنیدن حرف‌هایش نیست، از هر مغزی برای بیان اعتراضش استفاده کند. مسلم است که به دنبال يك عصیان و اعتراض علیه وضع موجود خواهد بود. حالا این راه می‌تواند بیان دیدگاه‌های اعتراضی در يك مراسم دانشجویی باشد یا ناآرامی خیابانی. غفاری تأکید کرد: اما وقتی که

جوان ما باز هم ببیند که به جای شنیده شدن اعتراضهایش، با وی برخورد سلبی میشود، دوباره سرخورده شده و برای مدت کوتاهی در لاک سکوت و تنهایی خود فرو میرود ولی باز هم چندی بعد طغیان و عصیان میکند و این سیکل همچنان ادامه دارد. با این تفاوت که هر بار فاصله اعتراضها کمتر و کمتر و گستره آن وسیع تر میشود. برای همین بهترین پیشنهاد برای خاتمه دادن به این سیکل تکراری شاید این است که حرف جوان شنیده شود و وی اثرات سخنانش را در زندگی و آینده خود مشاهده کند. و مسوولان بدانند که نباید این نسل را دستکم بگیرند چرا که آنها تقریباً چیزی برای از دست دادن ندارند.

تأثیرات منفی اقدامات «مداخله‌ای»

اصغر مهاجری، جامعه‌شناس، با اشاره به تأثیر اقدامات و فرآیندهای «مداخله‌ای» در جامعه گفت: اصولاً هر اقدام مداخله‌ای چه در قالب سیاست و چه برنامه‌های بلند و کوتاه مدت و چه پروژه‌ها، پیامدهایی را دارند. پیامدهایی هم در حوزه مداخله‌های بلافصل و هم مداخلات مستقیم و غیرمستقیم و هم انباشتی. حالا اگر این مداخلات برنامه‌ریزی شده حاکمیت یا تحت نظارت آن، درست طراحی نشوند، پیامدهای منفی فراوانی را به همراه خواهند داشت.

وی تصریح کرد: این پیامدهای مداخله‌ای اندک اندک جمع میشوند و عرصه را برای ظهور ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در جامعه فراهم میکنند.

وی با ذکر اینکه جامعه‌شناسان قادرند این ناآرامی‌ها را پیش‌بینی کنند، گفت: اما متأسفانه مسوولان این رخدادها را رصد نمی‌کنند؛ غافل از اینکه جامعه آبستن حوادثی است که کبریت آن همین ناآگاهی‌هاست. از سویی، اگر این رخدادها به صورت متوالی اتفاق می‌افتاد به این دلیل است که هیزمش به اندازه کافی می‌سوزد و بعد به‌طور موقت خاموش میشود ولی با انباشت دوباره هیزرها، دوباره این هیزرها شعله‌ور شده و آتشی مجدد را به پا میکند. این جامعه‌شناس با مرور مجدد اقدامات مداخله‌ای دولت افزود: واقعیت این است که اکثر اقدامات مداخله‌ای دولت، پیامدهای منفی را به دنبال داشته و دارد. مانند مداخله‌هایی که در بخش‌های حاشیه‌نشینی، بیکاری، و... داشته است. وی تصریح کرد: این در حالی است که آستانه تحمل جامعه برای حذف پیامدهای منفی این مداخلات بالا نرفته است و همچنان نهادهای قدرت در بخش‌های مختلف می‌تازند.

مهاجری ادامه داد: برای همین معتقدم برای ساماندهی این وضعیت باید به جای «گفت‌وگو»، «گفتمان» شکل بگیرد. گفتمانی بر پایه خرد جمعی. مانند احزاب و ثمن‌ها و... اما متأسفانه الان خرد جمعی مرجع

تصمیم‌گیری‌های تاثیرگذار حاکمیت نیست برای همین جامعه، مدام خروجی رخدادهايش را با التهابات بروز مي‌دهد. حالا اين التهابات به شکل اغتشاش هستند يا به هر شکل ديگر.

وي در بخش ديگري از سخنان خود با ذکر اينکه نظام بايد تدبيري براي اين اقدامات مداخله‌جويانه بکند، گفت: در وهله اول نظام سياسي و فرهنگي کشور بايد بررسی کند که نتایج اين مداخلات چيست؟ ضمن اينکه بايد مرجعيت خرد جمعي را بپذيريم. اگر اين دو اتفاق رخ دهد، مسلماً کمتر شاهد التهابات کنوني خواهيم بود. وگرنه زماني که بخواهيم اقدامات مداخله‌اي خودمان را با اعتقادات ايدئولوژيك و اخم تخم و «همينه که هست» توأم کنیم، نمي‌توانيم اميدوار باشيم که ديگر شاهد بروز ناآرامي‌ها نخواهيم بود. وي از رويکرد ايجاد گشت ارشاد به عنوان مثالي ديگر از رويکرد مداخله‌جويانه ياد کرده و گفت: واقعيت اين است که با وجود هزاران ميليارد تومانى که در طول اين سالها براي گشت ارشاد هزينه شده است، به اذعان خود نهادهاي دولتي، عملکرد آنها نتوانسته مانع از گسترش بدحجابي در جامعه شود. به طوري که براساس گزارش مرکز پژوهش‌هاي مجلس بيش از 50 درصد و براساس اعلام برخي نهادهاي ديگر، بيش از 70 درصد از دختران اين مرزو بوم، خارج از عرف ادبيات تعريف شده براي حجاب عمل مي‌کنند. براي همین معتقدم تا زماني که تصميم‌هاي خودمان را براساس تصميم‌هاي ايدئولوژيك اتخاذ کنیم، نمي‌توانيم مدعي شويم که آماده گفتمان هستيم. مگر آنکه به روش‌هاي کاربستي ايدئولوژي متوسل شويم.

اين جامعه‌شناس در مورد برخوردهاي سلبی با معترضان خياباني نیز گفت: براساس يك گزاره ساده، ميزان فرهنگ‌پذيري و کنترل، رابطه معکوسي با هم دارند. يعني هر چقدر فرهنگ‌پذيري بيشتر باشد، کنترل‌ها کمتر ميشود. اين همان پاسخي است که به برخوردهاي سلبی مي‌توان داد. يعني بايد تلاش کرد به جاي «کنترل»، مسائل و دغدغه‌هاي مردم و جامعه را از طريق فرهنگ‌پذيري و گفتمان حل کرد وگرنه اقدامات سلبی شايد در کوتاه‌مدت بتواند ناآرامي‌ها را خاتمه دهد ولي در ادامه و در زماني ديگر دوباره در جايي ديگر، سر باز کرده و مجدداً فوران خواهد کرد. به خصوص اينکه پاي اصلي اين اعتراض‌ها جوانان و نوجواناني هستند که قرار است آينده اين مملکت را بسازند و اتفاقاً تلاش بسياري دارند تا شرايط نابسامان زندگي‌هاي کنوني خود را تغيير داده و براي خود آينده‌اي روشن را بسازند.

منبع: روزنامه اعتماد 18 مهر 1401 خورشیدی